

تحلیل شاخص‌های عدالت اجتماعی و دسترسی به خدمات شهری (مطالعه موردی: منطقه یک، شهر کرمانشاه)

سعید ملکی (استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران، نویسنده مسئول)

malekis@scu.ac.ir

ساره رضایی اسحق‌وندی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران)

sareh.rezaie@tabrizu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

صص ۷۵-۹۱

چکیده

انجام مطالعات شهری با دیدگاه عدالت اجتماعی در سال‌های اخیر به عنوان یکی از رویکردهای مهم شناخته شده است. در این رویکرد به شاخص‌های مختلفی پرداخته می‌شود که میزان دسترسی به خدمات شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها در بررسی عدالت اجتماعی است. برنامه‌ریزی خدمات شهری بدون توجه به عدالت اجتماعی به معنای برابری همگی جامعه و تخصیص عادلانه‌ی خدمات شهری برای همگان موفق نخواهد بود و در واقع بی‌عدالتی نابرابری‌ای است که به سود همگان نباشد. در همین راستا؛ هدف پژوهش حاضر تحلیل شاخص‌های عدالت اجتماعی و دسترسی به امکانات و خدمات شهری در منطقه ۱ شهر کرمانشاه است. دلیل اهمیت این موضوع بی‌عدالتی خدمات شهری در مناطق شهری شهر کرمانشاه بخصوص منطقه ۱ شهر کرمانشاه با توجه به امکانات و خدمات است. از نظر هدف‌گذاری کاربردی و از نظر روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی است. در این پژوهش با توجه به مشخص نبودن جامعه آماری از نظرات ۴۲ نفر از متخصصان، اساتید دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در دسترس استفاده شده است. همچنین برای پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ و از تحلیل عاملی مرتبه اول و دوم جهت بررسی روایی پرسشنامه و برای آزمون فرضیه از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار LISREL8.80 بهره گرفته شده است. نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر نشان داد که سه شاخص تفاوت (۰/۹۳)، آزادی (۰/۸۴) و فرصت برابر (۰/۷۸) بیشترین ضریب را بین معیارها به خود اختصاص داده‌اند و بیشترین تأثیر را در تحقق عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه خدمات شهری داشته‌اند. به‌طور کلی متغیر مستقل عدالت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۷۸ تأثیر مستقیم قابل ملاحظه‌ای در عملی شدن توزیع عادلانه خدمات شهری دارد. همچنین در حالت اجرای مدل در مرتبه دوم، معیارهای فرصت برابر، آزادی و تفاوت به ترتیب با ضرایب ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۸۰ بیشترین تأثیر مستقیم را در توزیع عادلانه خدمات شهری دارند. نتایج کلی نشان می‌دهد شاخص‌های عدالت اجتماعی در توزیع مناسب خدمات شهری تأثیر مثبت و معناداری در منطقه یک شهر کرمانشاه دارد.

کلیدواژه‌ها: خدمات شهری، شهر کرمانشاه، عدالت اجتماعی، معادلات ساختاری.

۱. مقدمه

شهرهای امروزی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی مستمر، بیش از هر دوره دیگری نیازمند توجه به برقراری عدالت فضایی در توزیع کاربری‌ها و فعالیت‌های مختلف شهری می‌باشند (نصیری هنده خاله، ۱۳۹۷، ص. ۱۳۳). به‌طوری‌که توزیع فضایی متعادل خدمات شهری از مهمترین نشانه‌های عدالت اجتماعی به‌شمار می‌رود (عزیزی دانالو و مجتبی‌زاده خاقانی، ۱۳۹۹، ص. ۷۶). عدالت اجتماعی در شهر یعنی تداوم حفظ منافع گروه‌های اجتماعی متفاوت براساس گسترش بهینه منابع شهری، درآمدها و هزینه‌ها (گرای، ۲۰۰۲، ص. ۶۸۹). و چگونگی توزیع خدمات و توانایی‌ها بین نواحی شهری است (هوشیار و رمضان تاش دهگرچی، ۱۳۹۹، ص. ۸۴). بنابراین، تحقق عدالت اجتماعی در شهرها از یک سو به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی آن‌ها کمک شایانی خواهد نمود (امانپور و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۵۶). و از سوی دیگر مستلزم وجود مکان و فضا است که عدالت در فضا، همان عدالت جغرافیایی یا عدالت محیطی است (بون، ۲۰۰۱، ص. ۳۰). به‌همین منظور دستیابی به عدالت اجتماعی رعایت اصول مربوط به تعادل فضایی و پراکنش معقول خدمات شهری، امری الزامی است که باید بیش از پیش مورد توجه برنامه‌ریزان شهری و منطقه‌ای قرار بگیرد (زاهدی یگانه و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۸)؛ زیرا تعادل فضایی در توزیع مراکز خدماتی در شهر و دستیابی به آن، مقدمات توسعه پایدار شهری را فراهم می‌آورد و نابسامانی در توزیع منطقه‌ای و محلی باعث دوری مناطق و محلات از عدالت اجتماعی می‌گردد (ون، ۲۰۱۱، ص. ۷۸).

در همین راستا می‌توان گفت؛ توجه به خدمات شهری و دسترسی آسان به خدمات شهری یکی از راهبردهای اساسی برقراری عدالت اجتماعی در شهرها می‌باشد که برای رسیدن به تحقق و برقراری عدالت اجتماعی در شهر باید این امکانات و خدمات به‌گونه‌ای صورت گیرد که به نفع تمامی اقشار و گروه‌های اجتماعی جامعه گردد در این راستا کاربری‌ها و خدمات شهری از جمله عوامل مؤثر و مفیدند که به پاسخگویی نیازهای جمعیتی، افزایش منفعت عمومی و توجه به استحقاق و شایستگی افراد می‌توانند با برقراری عادلانه‌تر، ابعاد عدالت فضایی، اجتماعی، اقتصادی را برقرار نمایند (بزی و همکاران، ۱۳۹۶، ص. ۳۱). به منظور سنجش عدالت فضایی در مقیاس عملکردی مناطق شهری نیاز به وجود شاخص‌هایی است که ضمن این که بعد فضایی و مکانی داشته باشند بتوانند سطح برخورداری و یا میزان عدالت فضایی را در هر منطقه از شهر نشان دهند (پور محمدی، ۱۳۸۶، ص. ۲۳). که در برنامه‌ریزی شهری این نیازها شامل همه کاربری‌های موجود از جمله کاربری‌های آموزشی، بهداشتی، درمانی، فضای سبز، ورزشی، پارکینگ، مسکونی، فرهنگی و مذهبی و غیره می‌باشند و در واقع خدماتی هستند که برآورده کننده نیازهای اساسی در فضای شهری می‌باشند.

1. Gray
2. Bowen
3. Wan

در ادامه، به طور خلاصه، مهمترین مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه پژوهش حاضر مرور می شود.

مشفق فر و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله خود به ارزیابی خدمات شهری در مناطق ده گانه کلان شهر تبریز پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد که منطقه ۲ و ۳ بهترین وضعیت را از لحاظ توزیع خدمات شهری دارند و منطقه ۹ در وضعیت نامساعدی قرار دارد و کمترین خدمات عمومی را به خود اختصاص داده است. همچنین نتایج نشان از همبستگی پایین بین خدمات شهری و جمعیت می باشد. در حالت کلی یافته ها نشان دهنده این است که توزیع خدمات به صورت مناسبی انجام نشده و بیشتر تمرکز و قطبی است.

حاتمی نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله خود به تحلیل عدالت اجتماعی با تأکید بر توزیع فضایی کاربری های شهری و میزان رضایت شهروندان منطقه یک شهر مشهد پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد، میزان دسترسی به خدمات عمومی در منطقه یک، ۶۵/۹ (بسیار زیاد) همچنین سطح میانگین توزیع متفاوتی بین نواحی در کل منطقه وجود دارد و شهروندان ناحیه یک، رضایت زیادی از ارائه خدمات بهداشتی - درمانی و آموزشی و نحوه دسترسی به انواع خدمات موجود در سطح ناحیه نسبت به کل منطقه ۱ دارند.

حسینی (۱۳۹۹) در مقاله خود به تحلیل تحقق پذیری عدالت اجتماعی در نواحی شهری با رویکرد حق به شهر، منطقه ۱۰ شهر تهران پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد، شاخص حق به مشارکت در شهر با ۰/۲۶۱ دارای بیشترین وزن و سپس شاخص حق به آسایش، امنیت، سلامت با وزن ۰/۲۰۴ قرار دارد. همچنین ناحیه ۳ با میانگین نهایی ۲/۳۷ به عنوان بهترین ناحیه منطقه ۱۰ شهر تهران می باشد.

شیخ علی پور و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود به بررسی توزیع خدمات شهری در راستای عدالت فضایی (مطالعه موردی: مناطق چهارگانه شهر کرمان) پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد که جزء کاربری مذهبی، تأسیسات و تجهیزات شهری، توزیع بقیه خدمات در شهر کرمان در راستای عدالت فضایی نیست. همچنین منطقه ۳ در بین مناطق در برخورداری از خدمات مورد مطالعه، حائز رتبه نخست شد.

بزی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله خود به مانیتورینگ و ردیابی نابرابری خدمات و امکانات درون شهری با رویکرد عدالت فضایی شهر گرگان پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد که ناحیه ۲ از منطقه ۲ با ضریب توسعه (۰/۵۰۵۷) رتبه نخست و به عنوان ناحیه برخوردار و ناحیه ۲ از منطقه ۱ با ضریب توسعه (۰/۰۴۱۱۷) رتبه آخر را دارا می باشد. همچنین ناحیه ۲ از منطقه ۲ با ضریب ویکور (۰) برخوردارترین و ناحیه ۲ از منطقه ۱ با ضریب ویکور (۱) محروم ترین ناحیه به شمار می روند.

مایروننگ براون و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله خود با عنوان جغرافیای انسانی مناسب و حرکت به سوی عدالت فضایی با توان پاسخگویی به بررسی عدالت فضایی و سازگاری با فضا در سطوح مختلف به بررسی پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد که انسان ها در دستیابی به خدمات و امکانات بیشتر با پاسخدهی متفاوت تری مواجه می شوند و دستیابی به عدالت فضایی بیشتر با ظرفیت های متفاوتی انجام می گیرد.

لورنس و همکاران ۱ (۲۰۱۸) در مقاله خود به بررسی نوسازی و بازسازی شهری: عدالت اجتماعی و حقوق مالکیت با اشاره به سرمایه‌داری قانون اساسی هنگ کنگ « پرداخته اند که به این نتیجه رسیدند تجدید حیات و دستیابی به عدالت فضایی فقط تحت مالکیت دولت نیست بلکه مشارکت شهروندان در انجام بهینه آن تأثیر بسزایی دارد.

دای ۲ (۲۰۱۶) در مقاله خود با عنوان بهره‌برداری خدمات و نیازمندی‌های عمومی شهروندان هیوزو به بررسی پرداخته است که نتایج نشان داد که در میان خدمات فوق خدمات بهداشتی و درمانی به صورت نامحسوس و آن‌هم کاملاً به صورت نابرابر رشد داشته است.

جائو و همکاران ۳ (۲۰۱۱) در مقاله خود به بررسی امکانات خدمات عمومی شهر گوانگژو واجد الگوی توزیع فضایی هسته مرزی پرداخته اند که نتایج پژوهش نشان داد تفاوت‌های زیادی در ارائه خدمات عمومی در مناطق مختلف وجود دارد و توزیع خدمات با توزیع جمعیت هماهنگ نیست. سطح عمومی تأسیسات شهر کم و توزیع آن نامتعادل است. عوامل اصلی تأثیرگذار بر نحوه توزیع شامل ویژگی‌های محیط جغرافیایی، تجمع تاریخی، توسعه اقتصادی و اصلاح نهادها و سیاست‌هاست و آن را نتیجه تعامل قانون اکولوژی شهری و «مکانیزم تصمیم‌گیری حرفه‌ای» می‌داند.

گرر ۴ (۲۰۰۲) در مقاله خود به بررسی توزیع عدالت فضایی خدمات شهری، موضوع عدالت در توزیع خدمات شهری پرداخته است که نتایج پژوهش نشان داد او به دنبال دستیابی به فرایند و مدلی است که با وضع استاندارد پیشرفته و نظارت دائم بر آن، بتوان توزیع عادلانه‌ی خدمات شهری را تضمین کرد. گزر را تحقق این فرایند را هم‌فکری چهار طرفه‌ی نمایندگان منتخب مردم، بروکراسی شهر، هیئت مجریه‌ی شهر و استفاده‌کنندگان از خدمات توسعه‌ی این استانداردها می‌داند.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان گفت که در زمینه توزیع خدمات شهری، عدالت اجتماعی مطالعاتی صورت گرفته است که هرکدام بر وجوه مشخصی پرداخته‌اند. با توجه به اینکه تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری از روش‌های جدید در مبحث رتبه‌بندی محسوب می‌شود؛ می‌توان گفت در بحث توزیع خدمات شهری بسیار کاربردی است و می‌توان از نتایج حاصل از این تکنیک در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌ها در زمینه مدیریت شهری استفاده نمود. همچنین هیچ کدام از مطالعات صورت گرفته، بر دو موضوع توزیع خدمات شهری، عدالت اجتماعی به صورت توأمان در شهر کرمانشاه نپرداخته‌اند؛ بنابراین مقاله حاضر به جهت مکانی دارای نوآوری است. مفهوم عدالت و کاربرد آن، پیشینه طولانی دارد و فیلسوفان و اندیشمندان از قدیم تا کنون در مورد آن دیدگاه‌های خود را بازگو کرده‌اند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۹). این واژه مفهومی مدرن است که به تحقق فرصت‌ها و زندگی و شانس برابر اشاره می‌کند.

1. Lawrence
2. Dai
3. Jao
4. Greer

کند. در حقوق بشر از عدالت اجتماعی به عنوان رقابت یاد می کنند (احدنژادروشتی، ۱۳۹۵، ص. ۳۶). و ماهیت آن در قالب سه معیار مطرح می شود:

۱- نیاز: افراد در بهره برداری از منابع و امتیازات حق مساوی دارند، ولی نیازشان مشابه نیست. تساوی در بهره برداری از دیدگاه نیاز افراد، در تخصیص نابرابر منافع جلوه گر می شود؛ ۲- منفعت عمومی: مسلماً افرادی که در ایجاد منافع عمومی شهروندان شرکت می کنند نسبت به سایرین مدعی حق بیشتری هستند؛ ۳- استحقاق: افرادی که با مشاغل سخت و پرمشقت در ارتباط اند نسبت به سایرین حق بیشتری دارند (رون سی مان، ۱۹۶۶، ص. ۲۱)، اما عدالت فضایی در شهرها بدان معناست که مکان زندگی هر فرد، وی را از استحقاق اجتماعی محروم نکند و نابرابری های فضایی فقط هنگامی موجه باشد که بهبود حیات همگانی را در پی داشته باشد (اطهاری، ۱۳۸۱، ص. ۲۸). در همین راستا، یکی از مواردی که خیلی مهم می باشد جایگاه عدالت اجتماعی در شهر مهم است. به طوری که می توان گفت، اصول بنیادی شهرسازی در چهار مقوله آسایش عدالت، کارایی، کیفیت محیطی و سرزندگی است که سایر اصول را تحت تأثیر قرار دهد که در بندهای زیر به بررسی مفاهیم عدالت اجتماعی در شهر پرداخته شده است:

- انصاف در تسهیم و تقسیم شهری
- تامین دسترسی کافی به همه خدمات و تسهیلات آموزشی، بهداشتی، تفریحی و فرهنگی برای همه ساکنان شهر
- تامین امکانات (فرصت) برای همه اجتماعات شهری
- تامین اشتغال و مسکن به طور منصفانه برای افراد و ساکنان بخش های گوناگون شهر (حسینی شه پریان، ۱۳۹۴: ۵۵)

یکی دیگر از نکاتی که باید به آن توجه کرد اصول مهم در برقراری عدالت اجتماعی و شهر می باشد که بر سه مورد توزیع یکسان امکانات شهری، رعایت حداقلها در خدمات امکانات شهری و ارزش افزوده زمین در شهر تأکید می گردد (بروکنر و لارگی، ۲۰۱۸، ص. ۱)، که با ارضای نیازهای جمعیتی، افزایش منافع عمومی و توجه به استحقاق و لیاقت افراد می توانند با برقراری عادلانه تر، عدالت اجتماعی و اقتصادی و فضایی را در مناطق برقرار کنند (حکیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۵۸). به طوری که، توزیع تسهیلات، خدمات و کیفیت آنها به طور تفکیک ناپذیری با عدالت اجتماعی پیوند دارد. و نمی توان آنها را از موضوعات حاشیه ای هم چون نابرابری شهروندان و آزادی های شخصی تفکیک کرد. و باید خاطر نشان کرد که حتی زیباترین مکانها و بهتری آنها از لحاظ موقعیت دسترسی و زندگی اگر با فقدان دسترسی به منابع و امکانات مواجه باشند، نمی توانند برای رفاه ساکنان لذت بخش و مفید باشند (بوین و جورج، ۲۰۰۲، ص. ۳۶). همان طور که رفاه آینده از اعمال امروز ما متأثر خواهد بود، توزیع رفاه، تحت

تأثیر اعمال گذشته قرار دارد. به طوری که چشم انداز حیات بدون عدالت، تاریک جلوه می نماید و از این روست که جغرافی دانان نیز در دهه های اخیر بیش از گذشته به تأثیر عدالت اجتماعی و نابرابری در مورفولوژی و سازمان فضایی شهرها توجه دارند (وانگ و هانگ، ۲۰۱۲، ص. ۸).

هدف از عدالت اجتماعی توزیع عادلانه نیازهای اساسی، امکانات، تسهیلات و خدمات شهری در میان محلات و مناطق مختلف شهر است. به طوری که هیچ محله یا منطقه ای نسبت به منطقه یا محله دیگر از نظر برخورداری برتری فضایی نداشته باشد. در عمل به علت تفاوت های ناشی از زیرساخت های طبیعی، نوع تصمیم گیری ها و الگوی برنامه ریزی شاهد فضاهای نابرابر شهری بوده و به علاوه، نابرابری سیمای فیزیکی محلات از نظر ساخت، بافت، شبکه معابر، مسکن و تسهیلات آن و دسترسی به خدمات گوناگون بر ناهمگونی فضایی محلات و مناطق شهری می افزاید. لذا توجه به عدالت اجتماعی در توزیع تسهیلات و خدمات شهری در سطح محلات و مناطق یک شهر امری اجتناب ناپذیر است (حسینی شه پریان، ۱۳۹۴، ص. ۴۴). به طوری که می توان بیان کرد، امروزه عدم توزیع مناسب خدمات شهری در نواحی مختلف شهر مشکلات عدیده ای را همچون ترافیک، آلودگی هوا، تراکم را در پی دارد و باعث افزایش سفرهای میان منطقه ای ساکنان جهت دستیابی به خدمات مختلف می شود و یا حتی ممکن است منجر به برهم خوردن توزیع جمعیت شهری میان مناطق و نواحی مختلف یک شهر شود. همان طور که گفته شد عدالت یعنی توزیع مناسب خدمات میان ساکنان مختلف یک شهر، که توزیع نامناسب آن باعث از بین رفتن عدالت و افزایش ناراضیاتی شهروندان از محل سکونت خواهد شد. همان طور که از مبانی نظری و نظریه های مختلف عدالت دریافت می شود. می توان گفت که عدالت موضوعی است که نمی توان آن را به صورت کامل در یک منطقه یا یک شهر برقرار کرد؛ بلکه هدف ما باید رسیدن به یک عدالت نسبی بین نواحی و مناطق در ارتباط با هم باشند که در این میان در نظر گرفتن میزان جمعیت و همچنین تراکم آن در نواحی شهری و برقراری عدالت همزمان با در نظر گرفتن میزان جمعیت نواحی می تواند ما را در برقراری عدالت فضایی در بین نواحی شهری کمک کرد (صادقیان، ۱۳۹۴، ص. ۴۲).

در ارتباط با پراکنش فضایی مناسب و نامناسب خدمات شهری دو منطقه را در نظر می گیریم: منطقه یک شهری دارای پراکنش مناسب خدمات شهری A است که تمام ساکنان این منطقه شهری دسترسی مناسبی به خدمات مذکور برخوردارند. بنابراین همه ساکنان شهر متحمل هزینه برابری برای دسترسی خواهند شد. اما برعکس توزیع نامتناسب خدمات A در منطقه دو شهری محتمل عدالت توزیعی نیست. هزینه های دسترسی و سایر هزینه ها بر قسمتی از مردم تحمیل می شود.

با بررسی میزان نابرابری ها در توزیع خدمات و شناسایی الگوی فضایی بی عدالتی در سطح شهر، می توان پی برد که چه خدماتی وضعیت مناسب تری دارند و بی عدالتی ها بیشتر در چه بخش و محله ی شهر تمرکز دارد، تا از این طریق، مدیریت شهری با عمل آگاهانه در توزیع فضایی خدمات و منافع اجتماعی، نابرابری های فضایی را کاهش داده

و کیفیت زندگی شهروندان را ارتقا بخشید. بنابراین مهمترین رسالت برنامه ریزان و مدیران شهری در این زمینه، تلاش برای دستیابی به آرمان فرصت های برابر، دسترسی گروه های مختلف جامعه شهری به خدمات شهری و از بین بردن تضاد در تأمین فرصت های آموزشی، بهداشتی، خدماتی و مانند آن است (حیدری، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۱). مؤلفه های عدالت فضایی از نظر جان راولز^۱ برای به کارگیری در خدمات شهری عبارت اند از: الف- فرصت های برابر باید نقطه شروع باشد. ب- یک سطح حداقل معین برای خدمات وجود داشته باشد. ج- پیش از اینکه نتایج توزیع شناخته شود باید روی قاعده تخصیص توافق حاصل شود (اسمعیل پور و شکیبامنش، ۱۳۹۸، ص. ۷۶).

نوآوری پژوهش حاضر اولاً بعد مکانی این موضوع است و دوم اینکه تا کنون با این روش در شهر کرمانشاه به بررسی عدالت اجتماعی و خدمات شهری پرداخته نشده است. همچنین در این پژوهش از نظر وسترن و همکاران^۲ که معتقدند جایگاه مفهومی و تحقیقی عدالت اجتماعی بر دو حوزه عدالت توزیعی و عدالت رویه ای متمرکز است استفاده شده است.

شهر کرمانشاه در مرکز استان کرمانشاه قرار دارد که منطقه ۱ یکی از مناطق مهم کرمانشاه است که با وجود داشتن مراکز مهم در این منطقه توزیع خدمات شهری به صورت عادلانه صورت نگرفته، که موجب ناهمگونی هایی در قسمت های مختلف منطقه شده است. توزیع نابرابر خدمات در منطقه ۱ شهر کرمانشاه به علت بی توجهی به عدالت اجتماعی، در حال حاضر یکی از چالش های مدیریت شهری در پاسخگویی به نیاز شهروندان است. بنابراین به منظور کاهش بی عدالتی و حرکت در راستای توسعه؛ تحقق عدالت اجتماعی شهری به منظور توزیع هر چه عادلانه تر خدمات امری ضروری است. تمامی موارد فوق الذکر و ضرورت مطالعه عدالت در برنامه ریزی های شهری را جهت به کارگیری نتایج حاصله و دستیابی به راهکارهای اجرایی مقابله با نابرابری های اجتماعی پیش پای ما می گذارد و مقاله ی حاضر با توجه به چنین ضرورت مطالعه عدالت اجتماعی را در مسایل شهری و به صورت موردی در شهر کرمانشاه منطقه ۱ و دسترسی به خدمات شهری را مد نظر قرار داده است. منطقه یک شهر کرمانشاه به جهت قرار گرفتن در مرکز شهر کرمانشاه و دارا بودن امکانات و خدمات نسبت به سایر مناطق نمونه ی مورد خوبی برای این مطالعه می باشد. به طوری که می توان در این منطقه، تمرکز امکانات، افزایش شدید قیمت زمین و مشکلات ترافیکی را شاهد بود.

بر همین اساس و با توجه به ضرورت موضوع، پژوهش حاضر به دنبال تبیین و ارائه مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی می باشد. بنابراین سؤال اصلی پژوهش به شرح زیر است:

مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی چگونه است؟

۲. روش شناسی

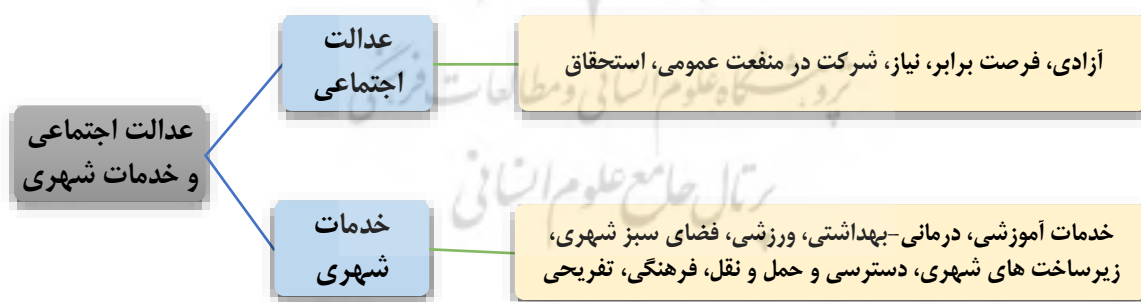
۲.۱. روش پژوهش

تحلیل و بررسی شاخص‌های عدالت اجتماعی و خدمات شهری در محدوده مورد مطالعه با توجه به کارکرد آنها، متناسب‌سازی خدمات و امکانات شهری با توجه به تراکم جمعیتی، تعیین مهمترین شاخص‌های تأثیرگذار عدالت اجتماعی در راستای دسترسی همگانی به خدمات شهری از اهداف مهم این پژوهش است که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی در گردآوری چهارچوب نظری و تعاریف و مفاهیم آن استفاده شده است.

پژوهش حاضر از نظر هدف‌گذاری کاربردی و از نظر روش شناسی به صورت توصیفی-تحلیلی است. در روند تهیه و تولید داده‌ها ابتدا عوامل مؤثر بر امکانات و خدمات شهری، شهر کرمانشاه با استفاده از نظرات ۴۲ نفر از خبرگان شامل استادان و کارشناسان در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی از طریق روش دلفی شناسایی شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ۲ شاخص اصلی و ۱۳ زیر شاخص عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار قوی بر توزیع عدالت اجتماعی بر امکانات و خدمات شهری، شهر کرمانشاه از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری به اختصار (SEM) و با استفاده از نرم افزار LISREL8.80 بهره گرفته شده است.

۲.۲. متغیرها و شاخص‌های پژوهش

در این پژوهش بر اساس مبانی نظری پژوهش تعداد ۲ معیار و ۱۳ زیر معیار شناسایی شدند که به صورت پرسشنامه دلفی تهیه شده و بر مبنای مقیاس ۷ گزینه‌ای لیکرت در اختیار متخصصان (اعضای پانل) قرار داده شد.

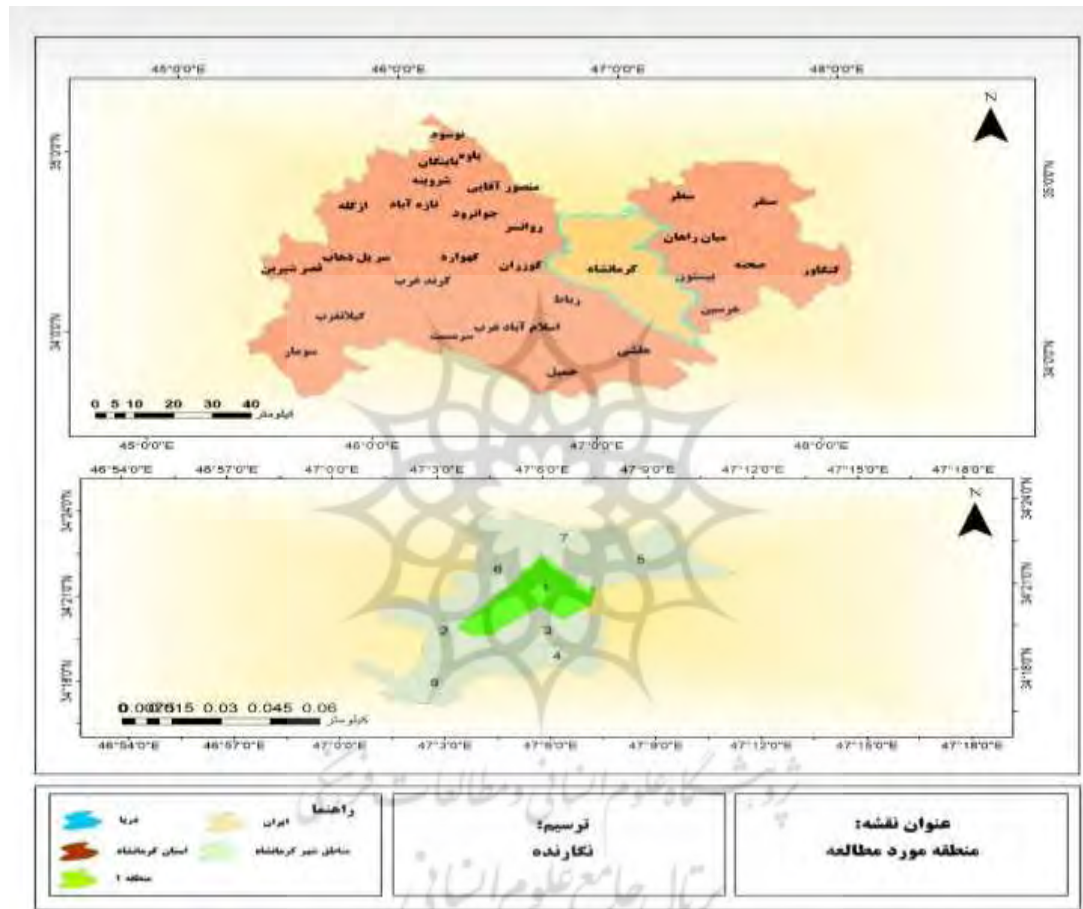


شکل ۱. شاخص‌ها و زیر شاخص‌های دست‌یابی به عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات شهری

۲.۳. قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهر کرمانشاه مرکز استان کرمانشاه در نیمه شرقی استان کرمانشاه، بین ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. که از نظر موقعیت جغرافیایی از شمال به ارتفاعات طاق‌بستان و از جنوب به ارتفاعات موسوم به کوه سفید که از رشته کوه‌های زاگرس می‌باشد محدود می‌گردد (رستمی و همکاران،

۱۳۹۰، ص. ۵۸). براساس منطقه بندی شهرداری در سال ۱۳۹۵ این شهر دارای ۸ منطقه است. منطقه یک شهرداری دارای ۱۱۳۰ هکتار مساحت می باشد. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۱/۰۸۳/۸۳۳ نفر بوده که منطقه یک نیز طبق آخرین آمار ۷۷۸۱۷ نفر را به خود اختصاص داده است و کمترین درصد جمعیت را نسبت به سایر مناطق دارا می باشد. در شکل ۱ قلمرو پژوهش و محدوده مورد مطالعه آمده است.



شکل ۲. نقشه موقعیت منطقه یک شهر کرمانشاه در کشور و استان

۳. یافته ها

نتایج استخراج شده نشان می دهد از کل پاسخگویان (۴۲ نفر) حدود ۷۸ درصد مرد و ۲۲ درصد زن می باشند. دامنه پاسخگویان ۲۸ تا ۶۸ سال می باشند. ۹/۹ درصد دیپلم، ۶۳ درصد لیسانس و فوق لیسانس و ۲۶/۱ دکترا و بالاتر بودند. نتایج مربوط به متغیر وابسته در جدول (۱) آورده شده است. همان گونه که ملاحظه می شود میانگین عدالت اجتماعی برابر ۱۷/۸ و توزیع خدمات شهری ۹/۳ به دست آمده است. با توجه به در نظر گرفتن تفاوت حداقل نمرات

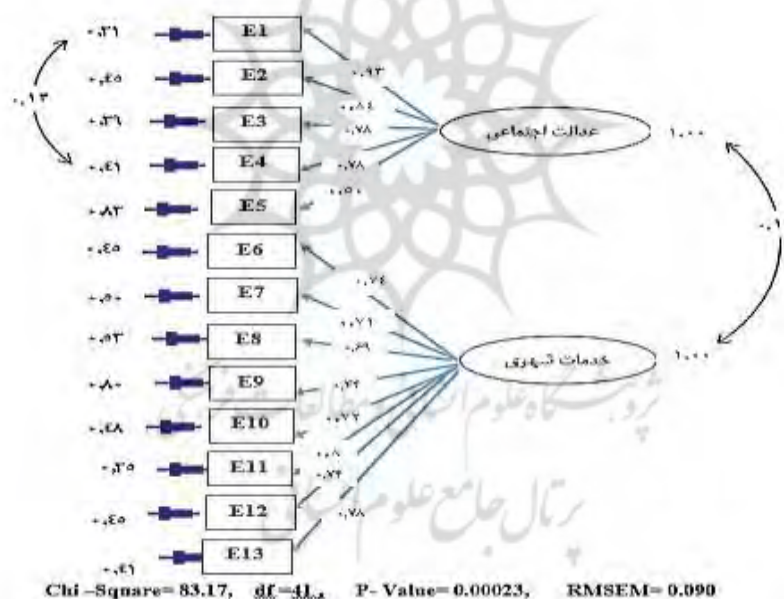
و حداکثر نمرات میزان عدالت اجتماعی در دسترسی به خدمات شهری و رویه‌های پاسخگویی متوسط ارزیابی شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی عدالت اجتماعی و خدمات شهری

میانگین	انحراف از معیار	واریانس	حداقل نمرات	حداکثر نمرات
۱۷/۸	۳/۱	۲۱/۹	۴	۲۸
۹/۳	۲/۷	۱۱/۳	۳	۱۹

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

در ادامه جهت بررسی اعتبار مقیاس‌های عدالت اجتماعی و خدمات شهری از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول استفاده شد. شکل ۳ مدل تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش را در حالت بار عاملی (ضرایب استاندارد شده) نشان می‌دهد. نتایج در جدول ۲ به همراه مقادیر پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراج شده آمده است.



شکل ۳. مدل نهایی پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

نتایج نشان می‌دهد با توجه به مقدار بارهای عاملی بدست آمده برای تمامی متغیرهای اصلی که بیشتر از ۰/۴۰ است و در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ قرار دارند ($p < 0/05$)، تمامی مقادیر t بزرگتر از ۱/۹۶ شده است، در نتیجه اعتبار سازه تمامی سوالات متغیرهای پژوهش تأیید می‌شود. همچنین با توجه به شکل ۶ سه معیار تفاوت، آزادی و فرصت برابر با ضرایب مسیر ۰/۹۳، ۰/۸۴ و ۰/۷۸ به ترتیب با بیشترین تأثیر را در تحقق عدالت اجتماعی و

به طور غیرمستقیم تأثیر در توزیع عادلانه خدمات شهری دارا می باشند و به طور کلی متغیر مستقل عدالت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۷۸ تأثیر مستقیم قابل ملاحظه ای در عملی شدن توزیع عادلانه خدمات شهری دارد.

مقدار پایایی ترکیبی از حداقل ۰/۷۸ برای متغیر خدمات شهری تا حداکثر ۰/۸۹ برای عدالت اجتماعی بدست آمده است که نشان می دهد میزان پایایی ترکیبی برای تمامی متغیرها بیشتر از مقدار ۰/۷ است و معنای تأیید پایایی تمامی متغیرها را دارد. میانگین واریانس استخراج شده که اعتبار همگرایی هر مقیاس را می سنجد از حداقل ۰/۵۲ برای متغیر عدالت اجتماعی تا حداکثر ۰/۵۶ برای متغیر خدمات شهری بدست آمده است که در کل مقادیر مناسب و مورد تأیید برای اعتبار همگراست. در مجموع نتایج نشان از پایایی و اعتبار متغیر تمامی متغیرها و سوالات پرسشنامه دارد.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی تأییدی- بررسی روایی و پایایی متغیرها

متغیرها	شماره سوال	ضریب استاندارد	میانگین استخراج شده (AVE)	پایانی ترکیبی
عدالت اجتماعی	۱	۰/۹۳	۰/۵۲	۰/۸۹
	۲	۰/۸۴		
	۳	۰/۷۸		
	۴	۰/۷۸		
	۵	۰/۵۰		
خدمات شهری	۶	۰/۷۴	۰/۵۶	۰/۷۸
	۷	۰/۷۱		
	۸	۰/۶۹		
	۹	۰/۴۴		
	۱۰	۰/۷۲		
	۱۱	۰/۸۰		
	۱۲	۰/۷۴		
	۱۳	۰/۷۸		

مأخذ: (یافته های پژوهش، ۱۴۰۰)

۱.۳. بررسی اعتبار واگرا

جهت بررسی اعتبار واگرا از روش فورنل و لارکر استفاده شد. در این روش باید جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه، بیشتر از ضریب همبستگی آن سازه (یا متغیر) با سازه های دیگر باشد. در جدول شماره ۲، جذر AVE در قطر آمده است و ضرایب همبستگی در پایین قطر جدول آمده است. نتایج بدست آمده گواه این است که برای تمامی متغیرهای اصلی، جذر AVE بزرگتر از ضریب همبستگی آن متغیر با متغیرها یا سازه های دیگر است که به معنای تأیید روایی واگرایی سازه های اصلی است. مقدار جذر میانگین واریانس استخراج شده برای عدالت اجتماعی مقدار ۰/۷۸ و برای خدمات شهری مقدار ۰/۷۴ است که بیشتر از همبستگی این سازه ها با سازه های دیگر است.

جدول ۳. بررسی واگرایی سازه‌های اصلی

متغیرها	عدالت اجتماعی	خدمات شهری
عدالت اجتماعی	۰/۷۸	
خدمات شهری	۰/۶۲	۰/۷۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

۲.۳. آزمون مدل

مدل مفهومی پژوهش با استفاده از تکنیک مدلیابی معادلات ساختاری (به اختصار SEM) و با استفاده از نرم افزار لیزرل آزمون شد. تکنیک مدلیابی معادلات ساختاری این قابلیت را دارد که هم مدل اندازه گیری (متغیرهای اندازه گیری شده تا چه اندازه سازه خود را تعریف می کنند) و هم مدل ساختاری (سازه های مکنون تا چه اندازه به یکدیگر ربط دارند) را به طور همزمان بررسی کند. اگر دو ماتریس (ماتریسی که بر اساس مدل مفروض استوار است و ماتریسی که از داده های واقعی مشتق شده است) یا یکدیگر منطبق باشند، در این صورت مدل معادلات ساختاری می تواند به عنوان توضیح قابل اعتمادی برای روابط فرض شده در نظر گرفته شود. شکل ۴ مدل نهایی را در حالت ضرایب استاندارد شده نشان می دهد. جدول ۴ شاخص های برازش مدل را نشان می دهد.



شکل ۴. مدل نهایی پژوهش در حالت ضرایب مسیر استاندارد شده

نتایج به دست آمده بیانگر معناداری روابط میان عوامل مکنون و متغیرهای مشهود است. به عبارت دیگر، از آنجا که مقادیر معناداری برای تمامی مؤلفه‌ها بیش از ۱/۹۶ است، می توان گفت روابط میان آنها تأیید می شود. همچنین با توجه به شکل ۷ معیارهای فرصت برابر، آزادی و تفاوت به ترتیب با ضرایب ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۸۰ بیشترین تأثیر مستقیم را در توزیع عادلانه خدمات شهری دارند. پس از معین شدن مدل، روش های متعددی برای برآورد نیکویی برازش کلی مدل با داده های مشاهده شده وجود دارد. به طور کلی، چندین شاخص برای سنجش مدل مورد استفاده قرار می گیرد ولی معمولاً برای تأیید مدل، استفاده از سه تا پنج شاخص کافی است. بنابراین، در این پژوهش، برای

ارزیابی نیکویی برازش مدل پژوهش از شاخص‌های مختلفی استفاده شده است. عدد مربوطه به هر یک از این شاخص‌ها در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی

شاخص	CFI	NNFI	NFI	GFI	AGFI	χ^2/DF
آستانه پذیرش	<۹۰/۰	<۹۰/۰	<۹۰/۰	<۹۰/۰	<۹۰/۰	۳ >
مقدار	۰/۹۴	۰/۸۴	۰/۸۸	۰/۹۳	۰/۹۱	۲/۱۴

مأخذ: (یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰)

با توجه به نتایج جدول (۴) و مقایسه آن با دامنه قابل قبول، می‌توان گفت اغلب شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش در دامنه قابل قبول قرار گرفته است (با وجود اینکه برخی از شاخص‌های به دست آمده اندکی با مقدار قابل قبول فاصله دارد، اما مقادیر معنادار برای سایر شاخص‌ها از مدل پژوهش حمایت می‌کند). بنابراین، با توجه به شاخص‌های به دست آمده، برازش مدل تأیید می‌شود. علاوه بر این، با توجه به مقدار Value-P که بزرگتر از ۰/۰۵ است، برازش مدل تأیید می‌شود.

۴. بحث

به طور کلی یافته‌های این پژوهش، تعدیلگری نقش عدالت اجتماعی بر اثرگذاری خدمات و امکانات شهری را تأیید می‌کند. و همچنین عنوان می‌کند که میزان استفاده از امکانات و خدمات شهری اثرگذاری متفاوتی بر شهر و عدالت فضایی مناطق مختلف شهری را سبب می‌شود.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی بین عدالت اجتماعی و توزیع مناسب خدمات شهری وجود دارد. و نتایج پژوهش (عزیزی دانالو و مجتبی‌زاده خانقاهی ۱۳۹۹، حسینی شه‌پریان ۱۳۹۴، مایرونک براون و همکاران، ۲۰۱۹ و دای ۲۰۱۶) را بر مبنای اثرگذاری شاخص‌های عدالت اجتماعی بر توزیع خدمات شهری را به طور کلی تأیید می‌کند. و آنچه که پژوهش حاضر را با پژوهش‌های نامبرده از جمله پژوهش‌های طهماسبی‌زاده و خادم الحسینی (۱۳۹۷)، دورقی (۱۳۹۷)، شیخ‌علی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)، جائو و همکاران (۲۰۱۱) و گری (۲۰۰۲) و سایر پژوهش‌های متفاوت می‌کند فارغ از متفاوت بودن نمونه موردی مطالعه این است که این پژوهش‌ها بر توزیع خدمات شهری و عدالت فضایی به طور کلی پرداخته‌اند در حالی که در این پژوهش تنها به نقش شاخص‌های عدالت اجتماعی بخصوص شاخص برابری و نیاز مورد تأکید قرار گرفته است. در نهایت می‌توان چنین گفت که امروزه شاخص برابری و نیاز در توزیع خدمات شهری با استفاده از معادلات ساختاری لیزرل در حالت کلی آن به تنهایی تبیین‌گر اثرات و پیامدهای احتمالی توزیع مناسب خدمات شهری نیست؛ بلکه متغیرها و عوامل دیگری از

جمله شاخص‌های فرصت، آزادی و استحقاق نیز تأثیرگذار هستند که خود این عوامل نیز تحت تأثیر متغیرها و عوامل واسطه‌ای و یا تعدیلگر قرار دارند.

۵. نتیجه گیری

از مشکلات اساسی شهرها در دهه‌های اخیر، توزیع نابرابر منابع در بخش‌های مختلف شهری است. نابسامانی نظام توزیع مراکز خدماتی در فضاهای شهری زمینه‌ساز نابرابری اجتماعی شهروندان در برخورداری از این خدمات شده است. توجه به اهمیت توزیع کاربری‌های خدماتی در نواحی شهری و فراهم نمودن امکانات و خدمات مورد نیاز عاملی مهم در ارتقاء سطح زندگی، عدالت اجتماعی و پایداری زندگی شهری است. پژوهش حاضر از نظر تحقیقات توسعه‌ای قلمداد می‌شود؛ زیرا به دنبال طراحی معادلات ساختاری عوامل مؤثر بر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات شهری است. همچنین از نظر هدف انجام، جزو تحقیقات کاربردی قلمداد می‌شود. بدین منظور در ابتدا با بررسی مبانی نظری و تئوری پژوهش مؤلفه‌های اصلی و فرعی مؤثر بر عدالت اجتماعی با تأکید بر خدمات شهری در شهر کرمانشاه مشخص و در قالب پرسشنامه‌ی دلفی تهیه و تدوین شد. سپس این شاخص‌ها به وسیله اعضای پانل دلفی مورد بررسی قرار گرفتند. این اعضا شامل ۲۲ نفر از متخصصان رشته برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ۵ عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار قوی بر عدالت اجتماعی و ۸ عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار بر خدمات شهری، منطقه یک شهر کرمانشاه از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری به اختصار (SEM) و با استفاده از نرم‌افزار LISREL 8.80 بهره گرفته شده است. در تحلیل نتیجه به دست آمده از مدل تفسیر ساختاری می‌توان بیان کرد کلیه عوامل و شاخص‌های عدالت اجتماعی، تأثیر معناداری بر خدمات شهری می‌گذارند. برای همین فرضیه پژوهش تأیید شد. همچنین با توجه به نتایج در حالت اجرای مدل در مرتبه اول، سه معیار تفاوت، آزادی و فرصت برابر با ضریب مسیر ۰/۹۳، ۰/۸۴ و ۰/۷۸ به ترتیب با بیشترین تأثیر را در تحقق عدالت اجتماعی و به طور غیرمستقیم تأثیر در توزیع عادلانه خدمات شهری دارا می‌باشند و به طور کلی متغیر مستقل عدالت اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۷۸ تأثیر مستقیم قابل ملاحظه‌ای در عملی شدن توزیع عادلانه خدمات شهری دارد. همچنین در حالت اجرای مدل در مرتبه دوم، معیارهای فرصت برابر، آزادی و تفاوت به ترتیب با ضرایب ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۸۰ بیشترین تأثیر مستقیم را در توزیع عادلانه خدمات شهری دارند. و می‌توان گفت اغلب شاخص‌های برزندگی مدل پژوهش در دامنه قابل قبول قرار گرفته است (با وجود اینکه برخی از شاخص‌های به دست آمده اندکی با مقدار قابل قبول فاصله دارد، اما مقادیر معنادار برای سایر شاخص‌ها از مدل پژوهش حمایت می‌کند). بنابراین، با توجه به شاخص‌های به دست آمده، برازش مدل تأیید می‌شود. علاوه بر این، با توجه به مقدار Value-P که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، برازش مدل تأیید می‌شود. در نهایت، می‌توان گفت هر گونه بهبود در خدمات شهری و برقراری عدالت اجتماعی در منطقه ۱ شهر کرمانشاه می‌تواند از طریق توجه به متغیرهای سبزه‌گانه تبیین‌کننده آن در دنیای واقعی عملی شود. به عبارت دیگر، این عوامل مقدمه‌ای هستند برای ارتقای عدالت اجتماعی و توزیع مناسب

خدمات شهری در منطقه یک می باشد و مسئولان و ارگان های ذی ربط قبل از اجرای یک برنامه مناسب برای برقراری عدالت اجتماعی و توزیع مناسب خدمات شهری باید در ابتدا به این عوامل توجه کنند. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهادهایی به شرح ذیل ارائه می گردد:

- ایجاد زمینه های افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور شهر و خدمات شهری؛
- توجه بیشتر به شاخص های تفاوت، آزادی و فرصت برابر که از شاخص های مهم و تأثیر گذار در برقراری عدالت اجتماعی در شهر کرمانشاه می باشد؛
- انجام نظر خواهی های مستمر از متخصصان و شهروندان در خصوص رضایت آنها از خدمات شهری و استفاده از بازخورد نظر شهروندان در بهبود خدمات شهری؛
- توجه بیشتر مسئولین به این منطقه با توجه به جمعیت و تراکم جمعیتی کمتر مردم در این منطقه نسبت به سایر مناطق؛
- توزیع عادلانه خدمات شهری در منطقه یک که به لحاظ توزیع مکانی خدمات شهری دارای وضعیت نامطلوبی هستند.

کتاب نامه

۱. احدنژادروشتی، م.، موسوی، م.ن.، محمدی، ح.، و ویسیان، م. (۱۳۹۵). بررسی و تحلیل عدالت اجتماعی در برخورداری از خدمات شهری (مورد مطالعه: دسترسی به خدمات آموزشی مقطع راهنمایی شهر میاندوآب). مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۳(۱)، ۵۱-۳۳.
۲. اسمعیل پور، ن.، و شکیبامنش، م. (۱۳۹۸). تحلیل نابرابری فضایی در برخورداری از کاربری های خدمات شهری؛ نمونه موردی: شهر یزد. فصلنامه علمی برنامه ریزی فضایی (جغرافیا)، ۹(۲)، ۷۱-۸۸.
۳. اطهاری، ک. (۱۳۸۱). عدالت در فضا. مجله هفت شهر، ۹ و ۱۰، ۳۳-۲۵.
۴. امانپور، س.، حسینی شه پریان، ن.، و ملکی، س. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل پراکنش خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی در کلانشهر اهواز (با استفاده از تکنیک ادغام). فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، ۷(۲۵)، ۶۸-۵۵.
۵. بابایی، ا. (۱۳۹۲). تحلیل عدالت فضایی و توسعه شهری در ارائه خدمات شهری در مناطق شهرداری تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز.
۶. بزی، خ.ر.، صیادسالار، ی.، و معماری، ا. (۱۳۹۸). مانیتورینگ و ردیابی نابرابری خدمات و امکانات درون شهری با رویکرد عدالت فضایی (مطالعه موردی: شهر گرگان). دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۶(۱)، ۴۲-۲۹.
۷. پور محمدی، م. (۱۳۸۶). برنامه ریزی کاربری اراضی شهری. تهران: سمت.
۸. حاتمی نژاد، ح.، کلانتری خلیل آباد، ح.، علیخانی، ه.، ترشیزی، م.، و باجلال، ر. (۱۳۹۹). تحلیل عدالت اجتماعی با تأکید بر توزیع فضایی کاربری های شهری و میزان رضایت شهروندان در منطقه یک کلان شهر مشهد. مطالعات طراحی شهری و پژوهش های شهری، ۳(۱۰)، ۱۴-۱.

۹. حسینی شه‌پریان، ن. (۱۳۹۴). *تحلیلی بر عدالت فضایی با تأکید بر خدمات عمومی شهری در مناطق شهر اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۰. حسینی، م. (۱۳۹۹). *تحلیلی بر تحقق پذیری عدالت اجتماعی در نواحی شهری با رویکرد حق به شهر، نمونه موردی: منطقه ۱۰ شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، نوشهر: موسسه آموزش عالی کمال الملک.
۱۱. حکیمی، ه.، الهامی، ن.، و پورحسینی، م. (۱۳۹۷). *ارزیابی و رتبه‌بندی توزیع خدمات شهری در سکونتگاههای غیررسمی مطالعه موردی: کلانشهر تبریز*. فصلنامه شهر پایدار، ۱(۴)، ۷۱-۵۷.
۱۲. حیدری، ج. (۱۳۹۵). *تحلیل توزیع فضایی کاربریهای خدمات عمومی شهری در نواحی شهر بوشهر*. فصلنامه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، ۱۴(۲)، ۱۵۳-۱۲۹.
۱۳. دورقی، ا. (۱۳۹۷). *عدالت اجتماعی و شهر: تحلیلی بر نابرابری‌های محله‌ای (مطالعه موردی: شهر شادگان فلاحیه)*. پایان نامه کارشناسی ارشد، اهواز: دانشگاه پیام نور استان خوزستان، مرکز پیام نور اهواز.
۱۴. زاهدی یگانه، ا.، شمس، م.، ملک حسینی، ع.، و بهارلو، ا. (۱۳۹۸). *تحلیل توزیع فضایی خدمات شهری با تأکید بر مدل‌های برنامه ریزی شهری (نمونه موردی: شهر تهران)*. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۹(۲)، ۲۰-۷.
۱۵. زیاری، ک.، مهدیان بهنمیری، م.، و مهدی، ع. (۱۳۹۲). *بررسی و سنجش عدالت فضایی بهره‌مندی از خدمات عمومی شهری بر اساس توزیع جمعیت و قابلیت دسترسی در شهر بابلسر*. نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۳(۲۸)، ۲۱۷-۲۴۱.
۱۶. شیخ‌علی پور، ب.، عبدالهی، ع.، ا.، و پورخسروانی، م. (۱۳۹۸). *بررسی توزیع خدمات شهری در راستای عدالت فضایی (مطالعه موردی: مناطق چهارگانه شهر کرمان)*. جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای، ۳۱(۳)، ۳۴-۱۵.
۱۷. صادقیان، م. (۱۳۹۴). *تحلیلی بر پراکنش جمعیت و خدمات شهری با تأکید بر رویکرد عدالت اجتماعی مطالعه موردی: هادی شهر*. پایان نامه کارشناسی ارشد، تبریز: دانشگاه تبریز.
۱۸. طهماسبی‌زاده، ف.، و خادم‌الحسینی، ا. (۱۳۹۷). *تحلیل فضایی عدالت اجتماعی در مناطق شهری (مطالعه موردی مناطق شهر اصفهان)*. فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۷(۲۶)، ۲۸-۱۷.
۱۹. عزیزی دانالو، س.، و مجتبی‌زاده خانقاهی، ح. (۱۳۹۹). *ارائه مدل توزیع عادلانه خدمات شهری مبتنی بر عدالت اجتماعی مطالعه موردی: منطقه ۱۱ شهر تهران*. فصلنامه شهر پایدار، ۳(۴)، ۹۰-۷۵.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *سرشماری‌های نفوس و مسکن استان کرمانشاه*. تهران: مرکز آمار ایران.
۲۱. مشفق‌فر، ش.، عزت پناه، ب.، و موسوی، م.ن. (۱۴۰۰). *ارزیابی خدمات شهری در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز*. جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۰(۱)، ۷۹-۹۸.
۲۲. میرزایی، ج.، پیوسته‌گر، ی.، و کلانتری خلیل‌آباد، ح. (۱۳۹۸). *سنجش و ارزیابی تحقق‌پذیری فضایی خدمات شهری، مناطق نه‌گانه شهر شیراز*. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۶(۲)، ۱۶۷-۱۴۵.
۲۳. نصیری‌هنده خالده، ا. (۱۳۹۷). *تحلیل نابرابری‌های فضایی توزیع خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی با استفاده از مدل ویکور*. مطالعه موردی: شهر قزوین. مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۸(۲۸)، ۱۵۳-۱۳۳.

۲۴. هوشیار، ح.، و رمضان تاش دهگرچی، ح. (۱۳۹۹). اولویت بندی نواحی شهر مهاباد به لحاظ مؤلفه های خدمات شهری با تأکید بر عدالت. *مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای*، ۱(۲)، ۸۳-۹۴.

25. Bowen, W. M. (2001). *Environmental justice through based-research decision making*. USA: Geland Publishing.
26. Boyne, G & Martin A. (2002) *Powell territorial justice spatial justice and local government finance*. University of Hertfordshire & University of Glamorgan.
27. Brueckner, J.K. & Largey, A.G. (2008) Social interaction and urban sprawl. *Journal of Urban Economics*, 64(1), 18-34.
28. Dai, J. (2016) An experimental research on the equalization of basic public services in Huizhou City. *Open Journal of Social Sciences*, 4(4), 167-173.
29. Gray, R. (2002). *The social accounting project and accounting organization and society privileging engagement, imaging new accounting*. the centre for social and environmental accounting research. University of Glasgow.
30. Greer, J.R. (2002). *Equity in the Spatial Distribution of Municipal Services: How to Operationalize the Concepts and Institutionalize a Program*. Dallas: University of Texas.
31. Jao, J. (2011). Spatial analysis on urban public service facilities of Guangzhou City during the economy system transformation. *Geographical Research*, 30(3), China, 424- 436.
32. Lawrence, W.C., Lai, K.W., Chau, P., & Alvin, C.W. (2018) Urban renewal and redevelopment: Social justice and property rights with reference to Hong Kong's constitutional capitalism. *Cities*, 74, 240-248.
33. Myrvang Brown, K., Flemsæter, F., & Rønningen, K. (2019) More-than human geographies of property: Moving towards spatial justice with response-ability. *Geoforum Journal*, 99, 54-62.
34. Runciman, W.G. (1966). *Relative Deprivation and Social Justice: A Study of Attitudes to Social Inequality in Twentieth Century Britain*. London: Gregg Revivals.
35. Wan, C. (2011). *A comparative analysis of victor and saw*. Belgrade: Faculty of civil engineering.
36. Wang, Y., & Zhang, A.X. (2012). Dynamic Modeling approach to simulating socioeconomic effects on Landscape changes. *Ecological modellini*, 140(1-2), 141-162.
37. XU, C., Liu, m., An, S., Chen, J., & Yan, P. (2013). Assessing the impact urbanization on regional net primary productivity in Jiangyin County, China. *Journal of Environmental Management*, 85(3), 597-606.

پرتال جامع علوم انسانی